

شهرسازی مشارکتی با تاکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری در دوران کرونا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

کد مقاله: ۲۲۳۱۰

غلامرضا مختاری اصل^{۱*}، مریم حافظی فر^۲، زهرا نصرتی^۳

چکیده

تلاش برنامه‌ریزان و محققان حوزه کودک در دخیل کردن هرچه بیشتر کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی شهری است. بی‌شک مشارکت کودکان ابتدا نیازمند درک کاملی از مفاهیم مربوط به کودک، حقوق، مزایا و چالش‌های مشارکت با کودکان است. همچنین بررسی روش‌های مشارکت دادن کودکان در دوران قبل و بعد کرونا و ارزیابی معایب و مزایای آن، جزو لازمه‌های این پژوهش می‌باشد. از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می‌شود. در این راستا هدف پیدا کردن روش‌های جدید برای مشارکت کودکان در دوران کرونا می‌باشد و این سؤال پیش می‌آید که با توجه به معایب و مزایای روش‌های نوین دوران کرونا، از چه متدهایی برای نتیجه‌گیری مناسب‌تر می‌توان استفاده کرد؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به شناسایی عوامل و فاکتورهای کالبدی-فضایی تأثیرگذار در ایجاد مشارکت کودکان در فضاهای شهری دوستدار کودک در دوران قبل و بعد کرونا پرداخته و نهایتاً راهکارها و الگوهای مشارکت کودکان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی در شرایط مختلف کرونا را پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت، برنامه‌ریزی شهری، مشارکت کودکان، شهر دوستدار کودک، کرونا

۱- دانشجوی ارشد طراحی شهری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)
reza_mokhtariasl@yahoo.com

۲- استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۳- دانشجوی ارشد طراحی شهری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۱- مقدمه

اگر در فرایند برنامه‌ریزی شهرها کودکان هم مدنظر قرار گیرند، شهرها می‌توانند از نظر اجتماعی و محیط زیست عرصه‌هایی پایدارتر و زیست پذیرتر باشند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). برنامه‌ریزی شهری هنگامی به معنای واقعی به اهداف شهر مطلوب نایل میشود که خواسته‌ها و نیازهای تمام شهروندان با توجه به اقتضای سنی مورد توجه قرار گیرد. شهر مورد علاقه کودکان، شهر مورد علاقه مردم نیز است به طوری که شهروندان خود چه جوان و چه پیر را به شرکت در خدمات و طراحی شهری تشویق کند. (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) نظریه‌های برنامه‌ریزی در جهان امروز بیش از گذشته به مشارکت و انسانی شدن طرح‌ها تأکید می‌کند. مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندان هر کدام به نوبه خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهروند عادی به یک شهروند مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌پذیر تبدیل گردند. بررسی و تحلیل موضوع مشارکت مردم در فرآیند شهرسازی ضرورت انکار ناپذیر یافته و شهرسازی مشارکتی به مقوله‌ای مهم و با ارزش تبدیل شده است. شهرسازی مشارکتی پیشنهادی است برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری که امروزه دموکراسی مشارکتی - محلی‌گرایی، شهرسازی مشارکتی کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح‌های شهری و دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها جایگزین برنامه‌ریزی متمرکز شده است و مردم تا حدود زیادی جایگاه خویش را یافته‌اند (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) امروزه با گسترش توجه به حقوق کودکان، جوامع بین‌المللی تلاش می‌کنند جایگاه قانونی برای رعایت حقوق این شهروندان کوچک فراهم شود. به این سبب زمینه برای تجلی حضور آنان در قوانین، مقررات و حقوق شهری ایجاد شده است. در مصوبات بین‌المللی و داخلی علاوه بر توجه به تأمین نیازهای اولیه و نیاز کودکان به بازی، بر اهمیت مشارکت کودکان در سهیم ساختن آنان در فرایند مکان‌سازی تأکید شده است. این بستر فراهم شده از جوامع به ویژه قشر تأثیرگذار در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی‌های شهری انتظار دارد که نظر کودکان را در فرایند مشارکتی طراحی فضای شهری اجرا کنند (عزتیان، ۱۳۹۶: ۲) تلاش برای چگونگی به اشتراک گذاشتن دانش طراحان و کودکان می‌توان منجر به مشارکت معنی‌دار و تأثیرگذارتری از کودکان در برنامه‌ریزی و فرآیند طراحی شهری و در نهایت رفاه آنها می‌شود. چنین برنامه‌هایی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کنند تا با دولت محلی و جامعه برای توسعه شایستگی فضایی و اعتماد به نفس ارتباط برقرار کنند. آنچه کمتر کسی پیش بینی کرده بود حضور مهمان ناخوانده‌ای بنام کرونا بود، ویروس ناشناخته‌ای که نه تنها کودکان، که با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران روزگار را نیز در چهار دیواری خانه‌ها حبس کرده است. حالا دیگر افراد نه تنها برای به اشتراک گذاشتن عقایدشان و سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها که حتی برای فعالیت‌های روزمره نیز از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب‌پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می‌کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. (منوچهری، ۱۳۹۹: ۱)

۲- مبانی نظری

۲-۱- برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشارکتی

۲-۱-۱- مفهوم مشارکت

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت، از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به عنوان امر شرکت کردن و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تبعیض قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. ساموئل پل اهداف زیر را برای مشارکت بر می‌شمارد:

- مشارکت در هزینه‌های طرح (پرداخت پول، انجام دادن کار یا ارائه کالا)؛
 - افزایش کارایی و اثربخشی طرح (ارائه مشاوره و دخالت در اجرای آن)؛
 - توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی و فعالیت‌های آگاهی بخش (همانند گروه‌هایی که به اتکای خود خانه‌سازی می‌کنند)؛
 - افزایش اختیار (تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد).
- با عنایت به نظریات مدرن در توسعه، مشارکت را می‌توان این گونه تعریف نمود: مشارکت، فرآیندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که «شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می‌گیرد». این پنج بعد علاوه بر آن که چارچوب مفهومی مشارکت را روشن می‌سازد، معیاری برای سنجش و تمایز مشارکت واقعی از مشارکت نمادین، مشارکت غیر واقعی، مشارکت ناقص و مشارکت فریب کارانه است (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

جیمز میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

- روش ضد مشارکتی: طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند.
 - روش مشارکت هدایت شده: دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماعات محلی، به منظور کنترل سیاسی، اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود.
 - روش مشارکت فزاینده: در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دو گانه عمل می‌کند؛ به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادها مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد.
 - روش مشارکت واقعی: در این شیوه دولت کاملاً از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوه مشارکتی، دولت علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد. (از کیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۶۴)
- اسکات دیویدسون سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد: (۱) اطلاع‌رسانی (۲) مشاوره (۳) مشارکت (۴) توانمندسازی (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۴۷). در بسکول در اثر خود با عنوان شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت) که توسط یونسکو به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛ ب) مردمی که در محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛ ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (Driskel, 2002: 32)

۲-۱-۲- معیارهای اصلی شهرسازی مشارکتی

- شهرسازی مشارکتی را چنین تعریف می‌کنند: مجموعه‌ای از فرآیندهایی که از طریق آن گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند. برخی از معیارهای اصلی در شهرسازی مشارکتی عبارتند از:
- نیت اصلی و واقعی برنامه‌ریزان: مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه‌ریزان و مدیران اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند.
 - دامنه مشارکت: با اختیار تصمیم‌گیری بیشتر به شهروندان، باعث نزدیک‌تر شدن به مشارکت واقعی خواهیم شد.
 - نگاه به مشارکت: اگر مشارکت خود فی نفسه هدف در نظر گرفته شود، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.
 - نظرخواهی از شهروندان: طرح‌های مشارکتی از نظر مشاوره با شهروندان نیز با هم متفاوت‌اند.
 - حق اعتراض به طرح: داشتن حق اعتراض به طرح به همراه سازو کار اعمال این اعتراضات در طرح به گونه‌ای که منافع عموم تأمین شود از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است.
 - نظارت شهروندان: هرچه مردم نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.
 - جریان اطلاعات: جهت جریان اطلاعات (یک سویه یا دو سویه بودن آن) و شدت این جریان عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت شمرده می‌شود.
 - پشتوانه فکری و فلسفی: مشارکت امری خلق‌الساعه نیست، هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه‌دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های گوناگون مشارکت را از هم متمایز کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۶).

۲-۲- شهرسازی مشارکتی با تأکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری

۲-۱-۲- کودک

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندگی که به حد بلوغ نرسیده یا طفل آورده شده است (معین، محمد، ۱۳۶۲: ۳۱۱۷). طبق تعاریف حقوقی جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مصوبه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سن بلوغ را برای پسران ۱۵ سال و دختران ۹ سال قمری ذکر کرده است (منصور، ۱۳۷۷: ۳۱۲). کنوانسیون حقوق کودک که مفاد آن در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و مجلس شورای اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ آن را پذیرفته است، در ماده یک خود اشاره به

آن دارد که کودک کسی است که دارای سنی کمتر از ۱۸ سال باشد، مگر آنکه طبق قانون اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (یونیسف، ۱۳۷۶:۳). از نظر مرکز آمار ایران کودک به کسی گفته می‌شود که اجازه فعالیت شغلی نداشته باشد که در این تعریف سن کودک حداکثر ۱۵ سال تمام شمسی است (شبیعه، ۱۳۸۵:۱۴).

با توجه به جنبه‌های رشد جسمی - حرکتی، شناختی، عاطفی، کودکان دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

- تمایل به خود محوری و خودمرکزی دارند و اساساً هر چیز از دیدگاه و دریچه چشم خود می‌بینند.
 - تمایل به یادگیری از طریق اشیای واقعی و عینی و تجربه‌های دست اول دارند، زیرا توانایی تفکر انتزاعی و استدلال هنوز در آنان رشد نیافته است. بنابراین از طریق بازی و فعالیت به نحوه بهتری یاد می‌گیرند.
 - تأمل کوتاهی می‌کنند، یعنی توانایی برای تمرکز کردن و توجه به فعالیت‌ها را برای مدت طولانی ندارند. مدت زمان توجه آنان حدوداً ۷ تا ۱۵ دقیقه در هر دوره زمانی است که این زمان برای فعالیت‌های جسمانی و ذهنی مانند قصه‌گویی، ساختمان‌سازی، بازی با شن و مواردی از این قبیل متناسب است.
 - برای یادگیری، کنجکاو، خودجوش و مشتاق هستند و به امور تازه با علاقه پاسخ می‌دهند. هنوز به فعالیت‌های گروهی عادت ندارند بنابراین از فعالیت‌های گروهی کوچک بهره بیشتری می‌برند.
 - بدلیل نیاز درونی برای تحرک و فعالیت جسمی، نمی‌توانند به مدت طولانی ساکت و آرام بنشینند، از تکرار، به ویژه قصه و داستان و اشعار لذت می‌برند.
 - به طور طبیعی و با طیب خاطر به موسیقی و اشعار دارای وزن و قافیه پاسخ می‌دهند.
- البته گرچه ویژگی‌های مشترکی در هر گروه سنی وجود دارد، تفاوت‌های فردی در کودکان هم از نظر میزان رشد و هم قابلیت‌ها و توانایی‌هایشان وجود دارد (رحمانی، ۱۳۹۲:۴۶).

۲-۲-۲- حقوق کودک

حقوق کودک، در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این عهدنامه که به "کنوانسیون حقوق کودک" معروف است همه‌ی دولت‌ها و مردم جهان را به ساختن دنیای بهتر برای کودکان تشویق می‌کند. در اوایل اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه را تصویب کرد. اصول پایه‌ای حقوق کودک به طور خیلی خلاصه در این پیمان‌نامه به شرح زیر است:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
 - زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود باید منافع عالی آنها در راس قرار گیرد.
 - کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنان مربوط می‌شود نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی نمود.
 - کودکان حق آزادی مذهب، آزادی تشکل و انجمن، حمایت در برابر سوءاستفاده، مراقبت‌های بهداشتی، استفاده از وسایل ارتباطی، آموزش و پرورش، بازی و اوقات فراغت، عدم حضور در جنگ، رسیدن به اعضای خانواده و در مجموع حق حیات و رشد دارند و هیچ کس نمی‌تواند مانع رشد و حیات سالم آنها گردد (سعیدی رضوانی، ۲).
- تامین حقوق کودکان، آنان را از تحریم حق خود و سرخوردگی‌های اجتماعی رها کرده و زمینه‌ساز ایجاد جامعه سالم آینده خواهد بود (Shieh, 2006:5). و نادیده گرفتن نیازهای کودکان در ساختن فضای شهری، منجر به حذف کودکان از مفهوم عموم مردم در لذت بردن از فضاهای باز برای انجام فعالیت‌هایشان شده است (Li L.H, 2005:305)

۲-۲-۳- شهر دوستدار کودک

"شهر دوستدار کودک"، شهری است که در آن بخش‌های مختلف جامعه متعهد می‌شوند تا استانداردهای لازم را برای زندگی شایسته کودکان در منطقه خود فراهم کنند. شهری که نیازها و علایق خاص این گروه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و کودکان به لحاظ ذهنی و روانی از زندگی در آن احساس آرامش می‌کنند. این احساس آرامش به ویژه با امنیت اجتماعی و ایمنی رابطه‌ی مستقیم دارد. از اهداف مهم پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکان‌های مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه‌ی فضاهای تفریحی و... اشاره نمود (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹:۴). شهر دوستدار کودک، به این معنی است که دولت‌مردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آنها حقوق اساسی کودکان مانند سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود (Wilks, 2010:27). براین اساس بچه‌ها به عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله

کودکان ساخته می‌شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲). از سوی یونیسف، ۹ مولفه اصلی تشکیل‌دهنده یک شهر دوستدار کودک عبارتست از:

۱. اطمینان از مشارکت کودکان
 ۲. برخورداری از نظام قانونی دوستدار کودک
 ۳. توسعه راهبرد جامع حقوق کودکان در شهر
 ۴. ایجاد واحدهای حقوق کودکان با برقراری سازوکار همکاری بین‌بخشی
 ۵. اجرای برنامه‌های ارزیابی و برآورد اثر طرح‌ها بر کودکان
 ۶. تخصیص بودجه مناسب برای کودکان
 ۷. ارایه منظم گزارش در مورد وضعیت کودکان شهر
 ۸. آگاهی بخشی در مورد حقوق کودکان در میان بزرگسالان و کودکان
 ۹. حمایت از فعالیت‌های گروه‌های مستقل در دفاع از حقوق کودکان (Riggio, 2002:46)
- آخرین دستاوردهای جهانی در این زمینه که در سال ۲۰۱۲ شبکه شهر دوستدار کودک اروپا اعلام شده عبارتند از راهبردی که تضمین مشارکت کودکان و جوانان را برای بهبود شرایط زندگی شهری بکند. (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۱: ۶)

جدول ۱- ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک (صفوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۴)

ردیف	ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک
۱	کودک در تصمیمات مربوط به شهر تاثیرگذار است.
۲	تاثیر تصمیم‌گیری در مورد شهر و اظهار نظر خود، درباره آن.
۳	عقایدش را در مورد آنچه از شهر می‌خواهد بیان کند.
۴	شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی شامل رویدادهای فرهنگی و اجتماعی.
۵	دریافت خدمات اساسی؛ مانند مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی.
۶	دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فاضلاب مناسب.
۷	در مقابل بهره‌جویی، خشونت و آزار محافظت شده است.
۸	با ایمنی در خیابان‌ها و با استقلال خودش راه می‌رود.
۹	از فضاهای سبز که در آن گیاه و حیوانات وجود دارد، بهره‌مند است.
۱۰	زندگی در محیطی سالم و عاری از آلودگی.
۱۱	ملاقات با دوستان و بازی با آنها.
۱۲	احساس تعلق و اتصال به اجتماع.

۲-۲-۴- مشارکت کودکان

یکی از بهترین روش‌ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، این است که کودکان و نوجوانان خود را ساخت و برنامه‌ریزی شهر مشارکت داده شوند. بهتر این است که این کار با مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه‌های دولت و جامعه محلی شروع شود تا به تنظیم دستور کاری برای پیشرفت جامعه کمک کند. در کمترین حالت، کودکان و نوجوانان باید در توسعه و طراحی پروژه‌ها و تصمیم‌گیری جامعه شرکت داده شوند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷) از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند. فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می‌شود. مشارکت کودکان عرصه‌ای است برای کودکان که بتوانند نظر خود را درباره محیط پیرامون ارائه کنند (Mansouri, 2011:5) مشارکت حق بنیادی شهروندی است و موجب رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان می‌گردد. مفهوم مشارکت کودکان ساز و کاری تشویقی برای دخالت دادن همه رده‌های سنی جامعه در فرایند توسعه شهری بود که به سبب سرعت گرفتن روند رشد در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. کودکان به عنوان عضوی از عموم جامعه در مسیر مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی دارای دیدگاه‌ها و نیازهای متفاوتی از بزرگسالان می‌باشند که تاکنون چندان مورد توجه نبوده است. یکی از بهترین روش‌ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، برنامه‌ریزی مشارکتی پیشنهاد داده می‌شوند. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). همیشه کودکان به چیزهایی که می‌سازند و اشیایی که به آن‌ها هدیه داده می‌شود علاقه می‌ورزند و آن را در ذهن می‌پروراند همانطور که الکساندر می‌گوید: قلعه‌ای که توسط کودکان و از کراتن، سنگ و نیمکت‌های قدیمی ساخته شده، به اندازه یک قلعه کامل و مجهز برای آنان ارزش دارد (کریستوفر، ۱۳۸۸: ۱۸۹). تحقیقات انجام شده در خصوص مشارکت کودکان، فرآیندی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌نماید: فرآیندی سه مرحله‌ای مشارکت کودکان:

۱. سطح ساختاری: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت‌های قانونی از آنها و نیز به وظیفه مسئولین در قبال کودکان به عنوان شهروندان جامعه می‌پردازد. مشاوره مسئولین با کودکان خصیبه اصلی این سطح است.
 ۲. سطح شخصی: در این سطح هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی با علایق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد، محقق نکته سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی این سطح، زندگی زمان حال کودک است، نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی است.
 ۳. سطح شخصی - ارتباطی: در این سطح واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی محیط‌های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است (Skivenes, 2006:13)
 ۴. جهت تسهیل مشارکت کودکان در فرآیند تصمیم‌گیری چهار مرحله ذیل پیشنهاد می‌گردد:
 ۵. کودکان باید فرصت تجسم بخشیدن به عقایدشان را داشته باشند. که لازمه این کار اطلاع از تصمیمات قبلی و داشتن اطلاعات شفاف و کافی برای تصمیم‌گیری و اطلاع از نتایج تصمیم است.
 ۶. کودکان باید فرصت بیان دیدگاه‌هایشان را در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری داشته باشند که این کار نیازمند روش‌ها و فنون متناسب با رشد سنی کودکان، نظیر نقشه ذهنی، نقاشی و بازی است.
 ۷. بحث‌های کودکان باید جدی گرفته شود و با ارزیابی صحیح و به کمک خود آنها دلایل رد یا قبول آن به طور مشخص توضیح داده شود.
 ۸. کودکان باید از نتایج تصمیم‌های اتخاذ شده مطلع شوند و همچنین فرصت کافی برای پرسش از نحوه حصول نتایج را نیز در اختیار داشته باشند (Mansouri, 2011:11)
- باید به بچه‌ها فرصت داد تا درباره محیط اطراف تصمیم‌گیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم‌گیری بچه‌ها را دخالت داد. عوامل تاثیرگذار بر آن عبارت بودند از:
- بالا بردن آگاهی اجتماعی: برای تقویت احترام به حقوق بچه‌ها باید جامعه را آگاه کرد.
 - توجه به نیازهای بومی: در این طرح‌ها باید به نیازهای خاص بچه‌ها، خانواده‌ها و اجتماع توجه کرد.
 - توسعه استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها: دولت و بخش‌های قانون‌گذار باید به نیازهای شهری بچه‌ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
 - بودجه‌های سازمانی بچه‌ها: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می‌توانند در تأمین بودجه طرح‌ها را باری برسانند.
 - تقویت مشارکت: بالا بردن انگیزه‌های تمامی گروه‌های ذینفع در بالا بردن و تقویت مشارکت همه.
 - ظرفیت‌سازی: بالا بردن امکانات و توانایی‌ها و توسعه بالقوه ظرفیت‌ها برای نسل‌های آتی بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش‌های مشارکت (کامل نیا و همکاران، ۱۳۸۸:۷) جدول شماره ۲ بیانگر پیش نیازهای تحقق مشارکت کودکان می‌باشد.

جدول ۲ - پیش نیازهای تحقق مشارکت کودکان از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف (تابان و همکاران، ۱۳۹۸:۴).

صاحب نظران	کتاب-مقاله - پایان نامه	پیش نیازهای مشارکت کودکان
Shiyani 2003	مقاله "مشارکت اجتماعی کودکان"	آگاهی و شناخت
		ارزشهای دموکراتیک در بردارنده
		توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی
Susskind 2001	پایان نامه "مشارکت نوجوانان در توأمندسازی برنامه‌ریزی"	برقراری ارتباط با دیگران، جست و جو، کنترل و دستیابی به اطلاعات، تفکر انتقادی درباره شواهد و مسائل، کار در گروه با قبول مسئولیت در بروز مشکلات.
		رشد تفکر مستقل، تشخیص مسائل، پیشنهاد و ارائه راه حل، کاربرد اشکال خلاق خود بیانگری، مشاهده و درک تأثیر بر محیط‌های مختلف.
		حمایت نهادها، توجه به آموزش، تعریف نقش کودکان، پذیرش جامعه برای فعالیت کودکان در تمام مسائل، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

پیش نیازهای مشارکت کودکان	کتاب-مقاله- پایان نامه	صاحب نظران
شرایط همگرایی	مقاله "صلاحیت کودکان و محیط زیست جوامع: رویکرد عملی در ارزیابی مشارکت"	Chawala & heft 2002
شرایط ورود		
شرایط حمایت اجتماعی		
شرایط صلاحیت		
شرایط بازخوردها	کتاب "راهنمای مشارکت کودکان و نوجوانان: دیدگاه‌هایی از نظریه و عمل"	Smith & Thomas 2010
حمایت از کودکان و تشویق آنان.		
همسویی با مسائل و منافع کودکان.		
-مشارکت کنندگان عادلانه انتخاب شوند. -کودکان و خانواده آنان رضایت آگاهانه داشته باشند. -کودکان می‌توانند آزادانه مشارکت یا عدم مشارکت داشته باشند. -پروژه در هر زمان و محل قابل دسترسی باشد.		
-کودکان دارای مسئولیت واقعی و نفوذ هستند. -کودکان درک می‌کنند و در تعریف اهداف و فعالیت‌ها شرکت دارند. -کودکان نقش مهمی در تصمیم سازی و انجام اهداف از طریق دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری آگاهانه دارند. -کودکان به ساخت و بیان دیدگاه‌های خود کمک می‌کنند. -سهام عادلانه‌ای از فرصت برای همکاری و شنیده شدن وجود دارد.		
وجود شفافیت در تمامی مراحل تصمیم‌سازی، وجود فرصت برای تفکر انتقادی، فرصت برای ارزیابی سطوح فردی و گروهی.		
نیاز به تعاریف واضح، نیاز به بهبود مدیریت شهری، نیاز به مواجهه شدن با چالش‌های تحقق حقوق مشارکت کودکان، نیاز به شاخص به منظور سنجیدن میزان مشارکت.		

۲-۲-۵ ضرورت مشارکت

یونیسف همزمان با به اهتزاز در آوردن پرچم گزارش سالانه خود، بیانیه سال ۲۰۰۳ کودکان جهان را ابراز داشت:

« میلیونها کودک احساس جدایی از نهادهای سیاسی و فقدان اعتماد به دولت‌های خود می‌کنند. « مدیر اجرایی یونیسف در انگلستان دیوید بل می‌گوید: تحقیقات انجام شده در چهار کشور جهان طی سه سال اخیر بر اساس نمونه‌گیری از ۴۰۰۰۰ کودک نشان داد که میلیونها کودک احساس تردید در مورد مفید بودن آرای خود به عنوان روشی برای بهبود زندگی خود می‌کنند و رهبران دولتی خود را به عنوان الگوی نقش نمی‌بینند. این مسئله یک سوگیری بسیار نگران کننده است، چیزی که رهبران سیاسی باید به آن توجه کافی نشان دهند. اگر که دنیای بزرگسالان حقیقتاً خواستار ایجاد دنیایی و آینده‌ای بهتر برای بشریت است، باید به کودکان امکانات و روش‌های بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد آینده‌شان داد. طبق گزارش یونیسف، تشریک مساعی کودکان برای آماده‌سازی آنها در مسئولیت‌پذیری آنها به عنوان افراد بزرگسال و ایجاد جوامع منسجم تر ضروری است. شکست در ارتقای مشارکت کودکان از سنین کودکی به معنای از دست دادن فرصت طلایی برای نهادینه کردن دموکراسی و ارزش‌های والای انسانی در سراسر جهان است. شکستی که موجب می‌شود، افراد جوان فاقد احساس توانمندی و تعلق به جامعه شوند و این مسئله موجب هزینه گزافی خواهد شد. دیوید بل نماینده یونیسف در انگلستان می‌گوید: کودکان فاقد توانایی برای ابراز وجود، تبادل نظر در مورد تفاوت و اختلاف نظریات، مسئولیت‌پذیری برای انتخاباتی که در زندگی می‌کنند، درگیر شدن در بحث و گفتگوهای سازنده و مثبت، احساس مسئولیت در مورد خود، خانواده و یا جامعه خود می‌شوند و به تبع آن جوامعی که این کودکان در آن بزرگ می‌شوند فاقد مداخلات در گفتمان مثبت و سازنده و اقدامات اجتماعی کارساز می‌گردند. (رحمانی، ۱۶۱:۱۳۹۲).

جدول ۳ - مقایسه تطبیقی دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با ضرورت مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری (کاشانی جو و همکاران، ۱۳۹۲: ۶).

ضرورت دخیل کردن کودکان در طراحی فضای شهری در چیست؟	اندیشمندان		کونین لینچ		لوئیس چاولا		دریسل		ادموند یکن		جیکوبز		پرسی و توماس		گلیسون و سایپ	
	نظریات	آموختن مشاهده صحیح	گشودن راه خلاقیت	توسعه طراحی شهری	مطالعه اولوی های کودکان	تغییر کانون برنامه ریزی	ارتقا حس مسئولیت پذیری	تجربه مردم سالاری	نزدیکی به هدف طراحی	ارتقا حس تعلق	ارتقا سرزندگی	نمایاندن علائق کودکان	شرکت در مسائل تأثیرگذار	نهادیگی و توسعه پایدار		

جدول ۴ - مقایسه تطبیقی دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با چگونگی مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری (کاشانی جو و همکاران، ۱۳۹۲: ۷).

چگونه می توان کودکان را در فرآیند طراحی فضای شهری دخیل کرد؟	اندیشمندان		کونین لینچ		یونسکو و چاولا		دریسل		جیکوبز		پرسی و توماس		گلیسون و سایپ		کلارک		بچتل و چرچمن	
	نظریات	ایجاد زیرساخت اجتماعی	پروژه های طراحی مشارکتی	برداشت الگوهای رفتاری	نقاشی و تولید نقشه	مشاهده رسمی و غیر رسمی	عکاسی کودکان از محله	کارگاه های گروهی	هدایت پیاده روی توصیفی	مصاحبه	تصمیم گیری مشترک							

۲-۲-۶- مزایای شهرهای مشارکت پذیر کودکان

از منافع مشارکت برای جوانان و کودکان می‌توان نشاط‌آور بودن شرکت در فعالیت جدید، تجربه دموکراسی و تحمل عقاید سایرین و ایجاد ارتباط سالم و ایجاد شبکه‌ای از دوستان جدید، افزایش حس سرپرستی و مسئولیت‌پذیری و تقویت اعتماد به نفس در آنان را نام برد. علاوه بر کودکان، مشارکت کودکان برای سایر افراد جامعه نیز دارای منافی است از قبیل: ارتباط و همکاری متقابل کودکان و بزرگسالان و نزدیک شدن گروه‌های سنی مختلف به یکدیگر، شناخت راه‌های بهبود کیفیت توسط سایرین و

- تقویت احساس تعلق خاطر به محیط زندگی‌شان و تقویت توجه و صرف انرژی و زمان آینده جامعه. از فواید مشارکت کودکان و نوجوانان برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:
- کمک به پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند؛
 - کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات و عملی‌تر بودن برنامه‌ریزی‌ها؛
 - ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر و انسانی‌تر؛
 - کمک به تحقق‌یابی روح معاهده سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان؛ (دریکسل، ۱۳۸۶: ۲۷).
 - تقویت استنباط و تصمیم‌گیری بزرگسالان در حقیقت تجربه کودکان و نوجوانان.
 - برطرف کردن لزوم فرضیات بزرگسالان در مورد اینکه کودکان و نوجوانان چه کسانی هستند، چه نیازهایی دارند و خواسته آنها چیست؟
 - به رسمیت شناختن حق کودکان برای مشارکت در برنامه‌های توسعه جامعه به عنوان شهروندان جامعه خود.
 - به رسمیت شناختن ارزش مشارکت کودکان و نوجوانان در توسعه جامعه.
 - کشف این موضوع که دانش و تجربه کودکان و نوجوانان از محیط اطراف خود متفاوت از دانش و تجربه بزرگسالان است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).
 - محیط ساخته شده تقریباً نیازهای کودکان و نوجوانان را بر طرف می‌کند.
 - کودکان سهم بیشتری از پروژه‌ها و محیط حاصله را دارند.
 - طراحان می‌دانند که چه چیزی در محیط کودکان بیشتر به چشم می‌آیند و چرا (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

۲-۷- موانع تحقق‌پذیری مشارکت در شهرهای دوستدار کودک

- هرچند سالهاست از توجه مسئولان شهری به مسائل اولیه و ابتدایی مشارکت شهروندان و بخصوص مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی و طرح‌های شهری می‌گذرد اما این طرز تفکر برای کشور ما همچنان تفکر نوینی محسوب می‌شود و به جز در چند پروژه به نظر می‌آید این شیوه نگرش به مشارکت، چه به دلیل مشکلات فرهنگی یا ساختاری مدیریت شهری در ایران غریب است. از موانع دستیابی به مشارکت فعال در طرح‌های شهری ایران می‌توان مشکلات زیر را برشمرد (ارجمند نیا، ۱۳۸۰: ۲۸):
- موانع یا محدودیت‌های ساختاری: فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای بوروکراتیک که مشارکت را در قالب ازپیش تعیین شده در نظر می‌گیرد.
 - موانع فرهنگی یا محدودیت‌های فرهنگی- اجتماعی؛
 - موانع و محدودیت‌های نهادی؛
 - موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن؛
 - موانع سیاسی مشارکت؛
 - موانع ساختاری ناشی از نظام‌های برنامه‌ریزی؛
 - موانع و مشکلات ناشی از محرمانه و سری بودن برخی از برنامه‌ها؛
 - موانع ناشی از مفعول پنداشتن مشارکت کنندگان؛
 - عدم شناخت جایگاه سازمان‌های غیردولتی.

- شایان ذکر است که این موانع در خصوص مشارک فعال همه شهروندان در امور شهری مطرح است؛ حال آنکه برای رسیدن به مشارکت همه جانبه گروه‌های خاص (بخصوص کودکان) مشکلات دیگری نیز بر لیست فوق اضافه می‌شوند که علاوه بر موانع سازمانی بیشتر این مشکلات می‌تواند به مخاطبان طرح برگردد. مشکلاتی از قبیل:
- عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه‌های سنی کودک و نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادست از برنامه‌های مشارکتی کودکان.
 - مسئولان اغلب خود را مسلط بر خواسته‌ها و نیازهای کودکان می‌دانند و تصمیم‌گیری در خصوص کودکان را با اعمال نظر خود انجام می‌دهند و نه با نیازها و خواسته‌های کودکان امروز.
 - فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه و ناشناخته بودن ارزش‌های مشارکت برای کودکان و خانواده‌های ایشان.
 - افزایش هزینه‌ها اقتصادی ناشی از برنامه‌های مختلف مانند آموزش کودکان، گردآوری اطلاعات از کودکان و غیره؛ (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

۲-۲-۸- روش‌ها و الگوهای مشارکت کودکان

از آنجایی که کودکان در سطح آگاهی و درک متفاوتی نسبت به بزرگسالان قرار دارند، ابزار ارتباط برقرارکردن با آنان نیز منحصر به خودشان است. این روش‌ها شامل مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و گروهی، نقاشی کشیدن، آثار دستی و کاردستی، عکسبرداری و فیلمبرداری به وسیله کودکان، ثبت جدول فعالیت‌های روزانه، کروکی و نقشه‌برداری از الگوی رفتار کودکان به وسیله شخص کودک و ناظر تعلیم‌دیده و ... است که می‌تواند در شناسایی منافع کودکان و بررسی مسائل موجود شهر راهنمای طراح باشد (Driskell, 2008:78). در بکسل در کتاب خود با عنوان "ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان" روش‌های مشارکتی ارائه می‌دهد. این روش‌های پایه‌ای عبارتند از:

- مشاهده غیر رسمی و حضور یافتن در اجتماعات کوچک مردمی
- مصاحبه
- نقاشی کشیدن
- جداول فعالیت‌های روزانه
- خانواده و شبکه‌های حمایتی
- نقش بازی کردن، تئاتر و نمایش عروسکی
- گشت‌های هدایت شده
- عکس‌برداری توسط جوانان
- نقشه‌برداری از رفتارها
- پرسش‌نامه و پیمایش
- بحث‌های گروه‌های کانونی و گروه‌های کوچک
- کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای اجتماعی

هر روش شامل موضوعات ذیل می‌باشد: «هدف»، «زمان مورد نیاز»، «ابزار مورد نیاز»، «حداکثر رساندن مشارکت جوانان» و «راهنمای فرایند»، (رحمانی، ۱۳۹۲:۱۴۷).

جدول ۵ - الگوهای مشارکت کودکان در فضاهای شهری (Baharvand, 2014:322)

الگو	اهداف	راهکار
الگوی رومانتیک	کودکان به عنوان برنامه‌ریزان و آینده‌سازان	به کودکان به عنوان برنامه‌ریزانی نگریسته میشود که اغلب از بزرگسالان بهتر کار را به انجام می‌رسانند. مانند بهره‌گیری نیکلسن از این رویکرد در طراحی‌ها در دهه 21 میلادی
الگوی طراحی و کالتی	طراحی برای کودکان با توجه به علایق آن‌ها	شهروندان حق مشارکت در پروژه‌های شهری نداشته و متخصصان شهری به عنوان وکیل گروه‌های مختلف، طرح‌های خود را ارائه می‌دهند. مانند پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری دهه ۲۱ میلادی
الگوی نیازها	علوم اجتماعی برای کودکان	ضرورت مشارکت کودکان در طراحی محیط پیرامون با استفاده از علوم روانشناسی محیطی مانند طراحی‌های لینچ
الگوی یادگیری	کودکان به عنوان یادگیرندگان	آموزش به کودکان از طریق مشارکت، به اندازه تغییرات کالبدی در شهرها اهمیت دارد. این روش اغلب منجر به آموزش و تغییرات اجتماعی، بدون اعمال تغییرات کالبدی می‌شود. مانند بهره‌گیری از این الگو در برنامه‌ریزی‌های آدامز و مور
الگوی حقوق‌گرا	کودکان به عنوان شهروندان	تأکید بر حقوق کودکان در شکل‌دهی به محیط به عنوان گروهی از شهروندان است. مانند پروژه‌های شورای شهر بچه‌ها و شهرهای دوستدار کودک اجرا شده توسط یونیسف
الگوی نهادینه-سازي	کودکان به عنوان بزرگسالان	از کودکان همانند بزرگسالان انتظار می‌رود رفتار کنند و در فرایند برنامه‌ریزی قدرت داشته باشند. مانند پروژه‌های توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه
الگوی پیش‌برنده	مشارکت با کمک چشم‌انداز سازی	کودکان در طرحها مشارکت دارند ولی بزرگسالان نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این الگو بازتاب رفتار فعلی ماست و مشارکت را به عنوان عملی آموزنده، اجتماعی و ارتباط دهنده می‌شناسد. سعی در یافتن راه‌های احیای دوباره ایده‌های دوران کودکی در جهت خلق مکان‌های کودک محور و با کمک خود کودکان دارد. از نکات مثبت این رویکرد، افزایش میزان مشاهده، کنترل و نظارت بر برنامه‌ها است و از نکات منفی آن، غیرقابل اجرا بودن در تمام شرایط و نیاز به انجام آموزش‌های لازم در این زمینه است.

۲-۹- کودکان و کرونا

آنچه کمتر کسی پیش بینی کرده بود حضور مهمان ناخوانده‌ای بنام کرونا بود، ویروس ناشناخته‌ای که نه تنها کودکان، که با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران روزگار را نیز در چهار دیواری خانه‌ها حبس کرده است. حالا دیگر افراد نه تنها برای به اشتراک گذاشتن عقایدشان و سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها که حتی برای فعالیت‌های روزمره نیز از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب‌پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می‌کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. کودکی که برای بهبود رشد فیزیکی، روانی و اجتماعی نیازمند حضور در فضاهای سبز و طبیعی، تحرک و بازی، مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، رفت و آمد و تحرک مستقل در شهر و ارتباطات اجتماعی در دایره دوستان و ملاقات با گروه‌های همسالان است اکنون تنها به کنج خانه که تنها مکان امن این روزها بشمار می‌رود پناه برده است. تمامی آنچه که به عنوان شاخص در شهر دوستدار کودک مطرح شده است. اگر تا دیروز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی در برخی کشورهای توسعه یافته مساله مداخله کودک در تصمیم‌گیری‌ها به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه موضوعی چالش برانگیز محسوب می‌شد امروز تنها به یک دلیل امری محال تلقی می‌گردد: حفظ سلامت عمومی جامعه. مساله حضور و یا عدم حضور کودکان در مدارس، تاثیرگذاری و یا عدم تاثیر پوشیدن ماسک، میزان موثر فاصله‌گذاری اجتماعی، دورکاری یا حضور در فضای کار با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مراحل مختلف قرنطینه همه و همه تنها به دنبال حفظ سلامت عمومی جامعه، به خصوص کودکان است. (منوچهری، ۱۳۹۹: ۲).

۲-۱۰- روش‌های مشارکت کودکان در دوران کرونا

به حاشیه رانده شدن صدای کودکان در دوران کرونا، فضا را برای توجه بیشتر به مفهوم مشارکت الکترونیک یا دیجیتال و استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه جهانی باز کرده است. استفاده از فن‌آوری پیش از این‌ها نیز در حوزه مشارکت کودک وارد شده بود. مثال‌هایی از قبیل استفاده از جی‌پی‌اسها در حوزه موضوعاتی چون رفت و آمد و تحرک مستقل کودکان در شهرها و در حد فاصل مدرسه تا خانه و یا استفاده از دستگاههای کامپیوتری سیار گواه این موضوع است. استفاده از سیستم اطلاعات مکانی مبتنی بر مشارکت عمومی است که در آن از نقشه‌ها برای بالا بردن اطلاعات عموم و گردآوری داده‌های مکانی استفاده می‌شود و یا استفاده از پلت فرم‌های نقشه گوگل برای داده‌های حمل و نقلی و میلمان شهری (Delitheou, 2019:5) از دیگر مثال‌های رویکرد دیجیتال در مشارکت کودکان است. اگر چه همگی اینها نیز تا حدودی به تحرک کودک در فضاهای شهری نیازمند است. (Jones, 2003:165) مساله پیوند میان دنیای فن‌آوری و کودکان تا جایی در عصر امروز اهمیت یافته است. مشارکت الکترونیک از عناصر مختلفی تشکیل می‌شود که سه راس اساسی آن "افراد"، "فن‌آوری" و "زیرساخت‌ها و موسسات دولتی" است. استفاده از مشارکت الکترونیک به طور معمول در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کاربرد داشته است که شامل سیستم درخواست الکترونیک، رای-گیری الکترونیک، سیستم مشاوره الکترونیک، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه، پادکست‌ها، بلاگ‌ها، نظرسنجی‌های آنلاین، انجمن‌های مجازی، پنل‌های الکترونیک، مشاوره‌های مجازی، اتاق‌های گفتگوی مجازی و یک سیستم مشارکت ترکیبی است. این سیستم می‌تواند با شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر همراه باشد. این ساختار کلی می‌تواند در دوران بحران که هنوز دسترسی به شبکه جهانی فعال است جایگاهی در عرصه تصمیم‌گیری‌های شهری نیز پیدا کند و کودکان جزوی از بازیگران اصلی آن باشند. در حقیقت می‌تواند راهی باشد برای شنیدن صدای کودکان در دورانی که امکان حضور فیزیکی آنها در روند برنامه‌ریزی وجود ندارد. میزان و نحوه استفاده از مشارکت آنلاین بنا بر فرهنگ، زیرساخت، آموزش و قوانین و سیاست‌های هر کشور می‌تواند متغیر باشد (Yusuf, 2017:28). در مورد کودکان و نوجوانان، استفاده از این نوع مشارکت می‌تواند در قالب بازی‌های آنلاین نیز نمود پیدا کند. بازی‌های الکترونیک یک روش مشارکت آنلاین مبتنی بر بازی است که در سال‌های اخیر به عنوان یک ابزار تعاملی میان کودکان و دولت‌های محلی برای مشارکت کودک در پروسه‌های طرح‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است (Rexhepi, 2018:114) که به دلیل جاذبه‌های گرافیکی و استفاده از انیمیشن‌ها ابزارهایی بسیار کودک‌پسند هستند.

۲-۱۱- معایب و مزایای روش‌های نوین مشارکت کودکان

حضور کودکان در فضای مجازی چه با اهداف آموزشی و چه با هدف مشارکت با چالش‌های فراوانی نیز روبرو است. در حالیکه بسیاری، درگیر شدن کودکان با تبلت‌ها، شبکه‌های مجازی و اپلیکیشن‌های گوناگون را برای سلامت کودکان مضر می‌دانند بسیاری با استناد به آمار مرگ و میر ناشی از این ویروس برای کودکان خطر این بیماری را برای کودکان مهم‌تر می‌پندارند و معتقدند که بسیاری از مشکلات مشارکت فیزیکی در مشارکت دیجیتال وجود ندارد. از آن جمله می‌توان به پنهان ماندن و عدم تاثیرگذاری ویژگی‌های روانی برخی کودکان مانند احساس خجالت و یا عدم اعتماد متقابل به محقق اشاره کرد. از سویی دیگر انتقاداتی نیز به این روش وارد است. یکی از نواقص روش‌های آنلاین جدایی و فاصله میان کودک به عنوان شرکت‌کننده، محقق و

فضای تحقیق است. اگرچه این مساله به توازن قدرت میان کودک شرکت کننده و محقق بزرگسال می‌انجامد اما ارتباط میان این دو عنصر تحقیق همواره تاثیر بسزایی در روند و نتایج تحقیقات کیفی داشته است. این مساله به خصوص در روش‌هایی مانند مصاحبه‌های گروهی با کودکان بیشتر نمود پیدا می‌کند. آنجا که کودکان در میان گروه‌های همسالان و دوستان خود آنچه در درون و ذهنشان می‌گذرد را به گونه‌ای متفاوت بیان می‌دارند. در حقیقت تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های گروهی همواره محرکی موثر است که تحقیق را به سمت بیشتر شنیده شدن نظرات کودکان سوق می‌دهد. این همان تاثیری است که در مصاحبه‌های فردی کمتر دیده می‌شود و بسیاری از حالات، رفتارها و زبان بدن کودکان که در میزان مشارکت و به تبع آن در نتایج تحقیقات مشارکتی موثر است در مشارکت آنلاین وجود نخواهد داشت. همچنین، مشارکت مجازی کودکان در تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی است. ساختارگراها معتقدند که فعالیت‌هایی نظیر نوشتن و یا صحبت کردن، این امکان را به کودک می‌دهد که از تجارب خود معنا خلق کند. در روش‌هایی مانند مصاحبه و یا نوشتن انشاء، کودک در یک فرآیند مذاکره درونی اطلاعات جدیدی را درک و عرضه می‌کند و از عنصر زبان و دیالوگ برای به نظم درآوردن افکار و خلق معنا بهره می‌جوید. (Ardoin, 2016:263) مساله بعدی این است که استفاده از مشارکت آنلاین می‌تواند با اهداف عدالت اجتماعی در تضاد باشد. زیرا عدم توزیع عادلانه زیرساخت‌های موردنیاز برای اینگونه مشارکت از جمله دسترسی به اینترنت، کامپیوتر و تلفن‌های هوشمند برای تمامی اقشار جامعه به یک میزان ممکن نیست. لذا استفاده از این روش در کشورهای در حال توسعه منجر به نشنیدن و به حاشیه رانده شدن صدای بخش اعظمی از کودکان خواهد شد. همچنین علاوه بر موانع فنی، حقوقی، سیاسی و سازمانی مشارکت دیجیتال، بسیاری از دولت‌های محلی با مشکل کمبود نیروی متخصص در امر فن اوری و منابع مالی مرتبط با فن اوری روبرو هستند. موضوع چالش برانگیز بعدی نگرانی‌های والدین از مضرات اخلاقی ارتباط کودکان با اینترنت و دسترسی به محتوای نامناسب برخی شبکه‌ها و وبسایت‌ها است. این امر لزوم حضور تسهیل‌گران در کنار کودکان را مطرح می‌کند. (Danby, 2016:141) در نهایت می‌توان گفت در جوامعی که ساختار تصمیم‌گیری در آنها بر اساس شکلی از دموکراسی استوار است و یا داعیه حضور دموکراسی در جامعه را دارند مشارکت افراد امری لازم محسوب می‌شود و برای رسیدن به برنامه‌ریزی همه شمول و طرح‌های شهری که پاسخگوی نیاز تمامی اقشار جامعه باشد برنامه‌ریزان مستلزم گنجاندن نظرات تمامی شهروندانی هستند که گروه هدف برنامه‌ریزی قرار دارند از جمله کودکان. این امر با رعایت اصول و قوانین حاکم و نظارت بر آن در دوران بحران مانند شرایط کنونی می‌تواند با جایگزین کردن سیستم‌های سنتی با سیستم‌های مشارکتی دیجیتال صورت گیرد (منوچهری، ۳:۱۳۹۹).

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به این نکته که برنامه‌ریزی مشارکتی بر اساس اقدامات خاص از قبیل آموزش، روش‌های مشارکتی، اطمینان از تصویب، عوامل فعال و نقش آنها در جهت مشارکت و ایجاد شناخت محلی و... انجام می‌شود، باید از شیوه‌های مشارکت واقعی در تمامی فرایندهای مشارکت تبعیت نمود و آن را در تمامی مراحل از جمله نیت اصلی و واقعی، دامنه مشارکت، نگاه به مشارکت، حق اعتراض به طرح، نظرخواهی از شهروندان و... بکار برد. طبق پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنها مربوط می‌شود، نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی کرد. لذا تامین حقوق کودکان آن را از تحریم حق خود و سرخوردگی‌های اجتماعی رهاشده و زمینه‌ساز ایجاد جامعه سالم آینده خواهد بود و نادیده گرفتن نیازهای کودکان در ساختن فضای شهری، منجر به حذف کودکان از مفهوم عموم مردم در لذت بردن از فضاهای باز برای انجام فعالیت‌هایشان شده است. از اهداف مهم پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکانهای مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه فضای تفریحی و... اشاره نمود. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می‌شود. از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به فرد خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاه ایشان در جامعه تعریف می‌شود. باید به بچه‌ها از طریق بالا بردن آگاهی اجتماعی، توجه به نیازهای بومی، توسعه استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها، تقویت مشارکت، ظرفیت‌سازی و اختصاص بودجه‌های سازمانی، فرصت داد تا درباره محیط اطراف، در حین تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت نمایند. تا باعث کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات، ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر، پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند، به رسمیت شناختن حقوق کودکان برای مشارکت و ارزش آن و... اشاره نمود. و در این راستا باید از موانع و مشکلاتی از قبیل محدودیت‌های ساختاری، فرهنگی- اجتماعی، نهادی، اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، سیاسی، و همچنین عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه سنی کودک نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادستی از برنامه‌های مشارکتی کودکان و همچنین افزایش هزینه‌های اقتصادی ناشی از برنامه‌های مختلف و آموزش کودکان و گردآوری اطلاعات جلوگیری نموده و مشکلات را مرتفع ساخت. لازم به ذکر است که با توجه به شرایط و محدودیت‌های دوران کرونا، اهداف، تعاریف، اصول، برنامه‌ریزی، سیاست‌ها و الگوهای به کار رفته در اصول مشارکتی کودکان در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی کودکان در شهر دوستدار

کودک هیچ فرقی نسبت به دوران قبل کرونا نداشته و نباید این فرایند را به فراموشی سپرد. فرق شرایط دوران قبل و بعد کرونا، فقط در نوع روش‌های مشارکت دادن کودکان در فرایند برنامه‌ریزی است که در دوران قبل کرونا از روش‌هایی مانند مصاحبه، نقاشی، نقش بازی کردن، عکسبرداری، نقشه‌برداری از رفتارها، پرسشنامه و پیمایش و ... استفاده می‌شد که در دوان کرونا از روش‌های مشارکت الکترونیک دیجیتال با استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه‌های جهانی، جی‌پی‌اس، رای‌گیری و مشاوره الکترونیکی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه و بازی‌های آنلاین می‌باشد. باید به این نکته توجه داشت که در شرایط دوران کرونا هم موانع و مشکلاتی از قبیل درگیر شدن کودکان با تبلت‌ها و شبکه‌های مجازی و اپلیکیشن‌ها، جدایی و فاصله میان کودک و محقق و فضای تحقیق، عدم تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت‌کنندگان، تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی، تضاد با اهداف عدالت اجتماعی، کمبود نیروی متخصص در امر فناوری و منابع مالی و... وجود دارد. لذا برای دستیابی به مشارکت بیشتر و کارآمدتر در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی شهر دوستدار کودک در دوران کرونا، باید از روش‌های ترکیبی اشاره شده در دوران قبل و بعد از کرونا، به نحوه‌ای که در راستای همپوشانی مشکلات و موانع یکدیگر باشند، برای حصول نتیجه بهتر، استفاده نمود.

منابع

۱. ارجمند نیا، علی اصغر (۱۳۸۰). «راهبرد سازمان مشارکت یافته»، مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۲۸.
۲. ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). «توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران»، انتشارات نی تهران، صص ۱۶۴.
۳. تابان تراشکار سپیده، پرتوی پروین (۱۳۹۸). «مؤلفه های مؤثر بر مشارکت کودکان در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه محله ای مطالعه موردی: محله سرشور مشهد»، فصلنامه مطالعات شهری، صص ۳-۴.
۴. حبیبی محسن، سعیدی رضوانی هادی (۱۳۸۵). «شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی»، فصلنامه صفا، شماره ۴۳، صص ۵۶.
۵. خادم الحسینی احمد، عارفی پور صفیه (۱۳۹۱). «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری»، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، سال ۷، شماره ۱۹، صص ۲.
۶. خوارزمی امیدعلی، جوهری لیلا، خوارزمی امیرعلی (۱۳۹۹). «ارزیابی شاخص‌های شهر دوستدار کودک در کلانشهر مشهد»، دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، صص ۴.
۷. دریکسل، دیوید (۱۳۸۶). «ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان ترجمه مهنوش توکلی»، نشر دیبایه، تهران، صص ۲۷.
۸. رحمانی، مرضیه (۱۳۹۲). «طراحی مرکز دوستدار کودک شیراز»، پایان نامه دانشگاه هنر و معماری شیراز، صص ۴۶-۱۶۳.
۹. رفیعیان مجتبی، کریم‌زاده فروغ، خسروی سهیلا (۱۳۹۰). «شهر دوستدار کودک از ایده تا واقعیت: با نگاهی به گام‌های لندن در حرکت به سوی تحقق آرزوهای لندن دوستدار کودک»، نشریه آبادی، شماره ۳۶ سال ۲۳ ام، صص ۲.
۱۰. سعیدی رضوانی، نوید. «حق کودک بر شهر در شهر دوستدار دانش‌آموز»، صص ۲.
۱۱. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صص ۴۷.
۱۲. شیعه‌اسماعیل (۱۳۸۵). «آماده‌سازی شهر برای کودکان نمونه موردی: تهران»، شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، صص ۱۴.
۱۳. صفوی مقدم سیده مریم، نوغانی محسن، مظلوم خراسانی محمد (۱۳۹۲). «شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان در شهر مشهد»، پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی مدیریت شهری، صص ۴.
۱۴. عابدی شیماء، حنایی تکتم (۱۳۹۹). «تحلیل تأثیر نقش بازی در مشارکت پذیری کودکان در فضای شهری»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، شماره ۴۰، صص ۵.
۱۵. عزتیان، شهره (۱۳۹۶). «عوامل و موانع مشارکت کودکان در تشکیل فضای شهری»، فصلنامه منظر، شماره ۳۹، صص ۲.
۱۶. کاشانی جو خشایار، هرزندی سارا، فتح‌العلومی ایل ناز (۱۳۹۲). «بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان نمونه موردی: محله نظامیه تهران»، فصلنامه معماری و شهرسازی ارمانشهر، صص ۶-۷.
۱۷. کامل نیا حامد، حقیر سعید (۱۳۸۸). «الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک»؛ فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، صص ۷.
۱۸. کریستوفر، الکساندر (۱۳۸۸). «الگوهای استاندارد و معماری ترجمه فرشید حسینی»، نشر مهرآزان تهران، صص ۱۸۹.
۱۹. کلاتری عبدالحسین، و دیگران (۱۳۹۱). «عدالت در شهر، کودکان و خدمات شهری»، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، صص ۶.
۲۰. کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱). «تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان مطالعه موردی: قوچان»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۲۰، صص ۳-۸.

۲۱. کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱). «کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان»، مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۶ صص ۵۲.
۲۲. گلستانی نفیسه، کمالی محسن، روشن محبوبه (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودک در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان»، نشریه مدیریت شهری و روستایی. صص ۱۶.
۲۳. معین، محمد (۱۳۶۲). «فرهنگ اسلامی»، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر. صص ۳۱۱۷.
۲۴. منصور، جهانگیر (۱۳۷۷). «مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات»، تهران. صص ۳۱۲.
۲۵. منوچهری، بهار (۱۳۹۹). «مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌های شهری در دوران همه‌گیری کرونا»، دانشگاه لاترب استرالیا، صص ۱-۵.
۲۶. یونیسف (۱۳۷۶). «پیمان‌نامه حقوق کودک»، چاپ اول، انتشارات سروش. صص ۳.
27. Ardoin, N. M., DiGiano, M., O'Connor, K., & Holthuis, N. (2016). Using online narratives to explore participant experiences in a residential environmental education program. *Children's Geographies*. pp.263.
28. Baharvand, Sh. (2014) Investigating and Reviewing the Concept of Child-Friendly City from Child Participation to Design Standards, by Providing Executive and Strategic Solutions, *Journal of Urban Management*, No. 34. pp.332.
29. Danby, S., Davidson, C., Ekberg, S., Breathnach, H., & Thorpe, K. (2016) 'Let's see if you can see me': making connections with Google Earth™ in a preschool classroom. *Children's Geographies*. pp.141.
30. Delitheou, V., Bakogiannis, E., & Kyriakidis, C. (2019) Urban planning: integrating smart applications to promote community engagement. *Heliyon*. pp.5.
31. Driskel, D. (2002) *Creating Better Cities With Children and Youth (A manual for participation)*, unasco publishing and Earthscan publication ltd. pp.32.
32. Driskell, D. (2008) *Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation*. Diba Publication. pp.78.
33. Jones, O. Williams, M., & Fleuriot, C. (2003). A new sense of place? Mobile wearable information and communications technology devices and the geographies of urban childhood. *Children's Geographies*. pp.165.
34. Li L.H. (2005) Value of stigma – impact of social housing on private neighborhood, *The Appraisal Journal*, Vol . pp.305.
35. Mansouri, A. (2011) Qara Biglou. The quality of urban open space in interaction with children, *Mino Art and Architecture, Iranian Islamic city studies*, winter. pp.5-11.
36. Rexhepi, A., Filiposka, S., & Trajkovik, V. (2018). Youth e-participation as a pillar of sustainable societies. *Journal of Cleaner Production*. pp.114.
37. Riggio, E. (2002) Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child, *Journal of Environment & Urbanization*, 14 (2). pp.46.
38. Shieh E. (2006) *Responsive urban Environment for children*, case study, Tehran, Shahr publication. pp.5.
39. Skivenes, M., Strandbu, A. (2006) A child Perspective and childrens participation. *Journal of Children Youth and Environment*. pp.13.
40. Wilks, Judith. (2010) Child-friendly cities: a place for active citizenship in geographical and environmental education, *International Research in Geographical and Environmental Education*, 19:1. pp.27.
41. Yusuf, M., Adams, C., & Dingley, K. (2017) *Towards a Theory of e-Participation: An Actor-Network Theory (ANT) Perspective*. Unpublished Ph. D. Thesis. UK [United Kingdom]. pp.28.